



دعوت پوتین از پزشکانش برای شرکت در اجلاس بریکس

کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو از دعوت رسمی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان برای شرکت در اجلاس سران گروه بریکس خبر داد و گمانه‌زنی‌ها مبنی بر احتمال امضای موافقت‌نامه جامع همکاری‌های بلندمدت دو کشور در حاشیه این اجلاس را رد نکرد. جلالی در این رابطه گفت: آقای پوتین زمانی که برای تبریک انتخاب آقای پزشکیان به ریاست جمهوری اسلامی ایران با وی تماس گرفت، از همتای ایرانی خود برای شرکت در اجلاس سران بریکس دعوت کرد که رئیس‌جمهور کشورمان این دعوت را پذیرفت. مهم‌ترین رویداد گروه بریکس (اول تا سوم آبان‌ماه ۱۴۰۳) در قالب نشست سران در کازان (مرکز تاتارستان روسیه) برگزار خواهد شد. سفیر ایران در روسیه درباره موافقت‌نامه جامع همکاری‌های بلندمدت جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه گفت: طی دو سال و نیم گذشته، کار زیادی برای نهایی کردن این موافقت‌نامه صورت گرفت و فت‌وآمدهای بسیاری بین مقامات دو کشور انجام شد؛ در نهایت، مسئولان حقوقی وزارتخانه‌های امور خارجه دو کشور، این سند را پاراف کردند. اکنون منتظر هستیم که هر دو طرف، مسائل پروتکلی را انجام دهند و در مرحله بعد، نوبت به امضای وزیران امور خارجه خواهد رسید.



آمریکا شریک جرم است نه میانجی بی طرف

علی باقری کنی، وزیر امور خارجه در صفحه خود در فضای مجازی نوشت: «امشب [جمعه‌شب]، در پاسخ به تماس تلفنی مجدد نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر درباره تحولات دومین روز گفت‌وگوها برای توقف نسل‌کشی صهیونیست‌ها در غزه تبادل نظر شد. محمد بن عبدالرحمن آل ثانی با اشاره به روند نتایج مذاکرات امروز در دوحه، آخرین مسائل و موانع موجود در مسیر دستیابی به توافق را که نقطه اطمینان‌بخشی برای توقف جنایت رژیم اشغالگر در غزه باشد، تبیین کرد. با اشاره به سرشت تجاوزگری و خوی جنایت‌پیشگی صهیونیست‌ها در غزه، در خصوص فریبکاری و بدعهدی باندهای جنایتکار حاکم بر تل‌آویو و مهم‌ترین حامی آن‌ها یعنی آمریکا در میز مذاکرات هشدار دادم. آمریکا با تأمین سلاح جنگی صهیونیست‌ها خود شریک جرم است نه میانجی بی طرف، لذا بر استفاده از همه ظرفیت‌ها برای اجبار متجاوزان صهیونیست به توقف کشتار و جنایت در غزه تأکید کردم.»



تداوم مذاکرات آتش‌بس غزه در قاهره

رئیس دفتر حفاظت منافع ایران در مصر در واکنش به ادامه مذاکرات آتش‌بس غزه در قاهره بیان کرد که نتایج این گفت‌وگوها را با شرایط متعادل بپذیرد باید با قدرت خداحافظی کند. محمدحسین سلطانی فرد، رئیس دفتر حفاظت منافع ایران در مصر، در واکنش به ادامه مذاکرات آتش‌بس غزه در قاهره در حساب رسمی خود در برنامه ایکس نوشت: «همانگونه که قابل پیش‌بینی بود مذاکرات دوحه نتیجه‌ای نداشت و به ادامه گفت‌وگو در قاهره ادامه داده شد. یعنی دارند برای تعویق پاسخ مشروع ایران به تجاوز آشکار رژیم در نقض حاکمیت جمهوری اسلامی ایران زمان می‌خرند. نتایج این گفت‌وگوها را با شرایط متعادل بپذیرد باید با قدرت خداحافظی کند.»

تصویر بدی را که از غرقه ایران در نمایشگاه جهانی ۱۸۸۹ ایجاد شده بود پاک کند. او از معمار فرانسوی فیلیپ مریات خواست تا غرقه‌ای با الهام از مدرسه چهارباغ در اصفهان بسازد. اشیاء و محصولات ایرانی متعددی در غرقه به نمایش گذاشته شد که با استقبال زیادی از سوی بازدیدکنندگان مواجه شد و مورد تحسین مطبوعات قرار گرفت. کتابچی در ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۰ مظفرالدین‌شاه را با شکوه فراوان در غرقه ایران پذیرفت. سه روز بعد، کالسکه شاه مورد حمله تروریستی قرار گرفت؛ مهاجم تروریست قبل از اینکه بتواند شلیک کند گرفتار شد. شاه قبل از ترک پاریس، برای بار دوم نشان بزرگ شیر و خورشید را به کتابچی اعطا کرد.

امتیاز نفت داری

کتابچی در سال ۱۸۹۸ گزارشی در مورد ذخایر نفتی بالقوه ایران در اختیار داشت. این گزارش کارمهندس عمران، زمین‌شناس و باستان‌شناس فرانسوی ژاک دومورگان بود که طی یک ماموریت علمی در سال ۱۸۹۱ در جنوب غربی ایران به وجود نفت اشاره کرد. کتابچی در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰ با در دست داشتن این گزارش تلاش ناموفقی کرد تا نظر چندین سرمایه‌دار سطح بالا را برای گرفتن امتیاز نفت در ایران جلب کند. به شرکت نفت رویال داچ نزدیک شد و مدیر شرکت، هانی دتردینگ این پیشنهاد را رد کرد و آن را بسیار پرخطر دانست. در همان زمان، کتابچی از دوستش، سر هنری دراموند ولف خواست تا در بریتانیا به دنبال سرمایه‌گذار بگردد و او ویلیام ناکس داریسی، سرمایه‌دار بریتانیایی را معرفی کرد. داریسی ثروت هنگفتی از طریق اکتشاف در معادن طلای استرالیا به دست آورده بود و به نفت ایران نیز علاقه‌مند بود. داریسی و کتابچی قراردادی امضا کردند. داریسی سرمایه لازم برای عملیات را فراهم می‌کرد و کتابچی مذاکرات با دولت ایران را برعهده می‌گرفت. کتابچی ۷ درصد از سهام امتیاز به اضافه ۱۰ درصد از سود را کسب می‌کرد. کتابچی در ۱۴ مارس ۱۹۰۱ با پول کافی برای تقسیم رشوه عازم ایران شد. پس از مذاکرات دشوار، امتیاز در ۲۸ مه ۱۹۰۱ توسط مظفرالدین‌شاه به داریسی اعطا شد و کتابچی از طرف دولت ایران به عنوان کمیسر شاهنشاهی منصوب شد تا از منافع ایران مراقبت کند. کتابچی از دانش دربار، حکومت و مراجع دینی ایران استفاده کرد تا اطمینان حاصل کند که امتیاز نفت به سرنوشته امتیاز تنباکو ده سال قبل چهار نشود. او قبل از بازگشت به اروپا، سه پسر بزرگ خود را به استخدام داریسی درآورد؛ پل در تهران به‌عنوان رابط با دولت ایران، وینسنت در لندن به‌عنوان رابط با داریسی، و ادوارد در قصرشیرین به‌عنوان دستیار مهندس جورج برنارد رینولدز، که مسئول اکتشاف نفت برای داریسی بود استخدام شدند. کتابچی در اروپا به سازماندهی عملیات امتیاز نفت ادامه داد. در دومین سفر مظفرالدین‌شاه به اروپا به آنان پیوست. عکسی او را در وسط همراهان شاه نشان می‌دهد که در قایق تفریحی ویکتوریا و آلبرت در کنار پادشاه ادوارد هفتم، ملکه الکساندرا، شاهزاده ولز و پرنسس ویکتوریا زیست گرفته است. در اواخر سال سلامتی کتابچی رو به وخامت گذاشت و در مدت اقامت در ایتالیا که از نارسایی تنفسی رنج می‌برد، درست قبل از تولد شصت‌سالگی‌اش و بدون اینکه فوراً نفت در ایران را ببیند، در ۲۰ دسامبر ۱۹۰۲ در لیورنو درگذشت. مراسم تشییع جنازه او در لیورنو برگزار شد و سپس در گورستان مونپازانس در پاریس به خاک سپرده شد. داریسی به وینسنت کتابچی نوشت: «من یک دوست مهربان و مصمیمی و یک همکار ارزشمند و توانا را از دست دادم». نفتی که مدت‌ها توسط صاحبان امتیاز در انتظارش بود تا ۲۴ مه ۱۹۰۸ از چاهی در نزدیکی شوشتر بیرون نیامد. در این میان، وینسنت که به جای پدرش به عنوان کمیسر ایران منصوب شد، از منافع خانواده کتابچی مراقبت کرد. در مورد داریسی، او دیگر نمی‌توانست هزینه‌های جست‌وجو را به تنهایی تحمل کند. وی در توافق با صاحبان سهام، سهام شرکت بهره‌برداری امتیاز را در شرکت نفت برمه ادغام کرد. زمانی که نفت در نهایت با چشم‌انداز تولید فراوان به بازار آمد، این شرکت به شرکت نفت ایران و انگلیس و در نهایت بریتیش پترولیوم تبدیل شد.

کتاب‌هایی با تمرکز بر کتابچی خان نوشته شده که قبل از سال ۲۰۰۰ عمدتاً مربوط به امتیاز داریسی و نقش کلیدی کتابچی در این سرمایه‌گذاری است و عمدتاً بر اساس آرشیو وزارت خارجه و بریتیش پترولیوم است. منبع قابل توجهی از اطلاعات را می‌توان در یادداشت‌های روزانه و مکاتبات کتابچی که بین سال‌های ۱۸۷۸ تا مرگ او نوشته شده است یافت. آنها گزارش مفصلی از دوران تصدی او به‌عنوان رئیس گمرک ایران، اصلاحات در سیستم گمرکی و تلاش برای اصلاح ارز و تجارت تنباکو و پیدایش امتیازات بانکی، تنباکو و نفت ارائه می‌دهند که در سال ۲۰۱۰ منتشر و در اختیار جامعه علمی قرار گرفت.

در آنجا بود که آن دو نفر برای اولین بار درباره امکان گرفتن امتیاز تنباکو در ایران توسط سرگرد بحث کردند. همچنین احتمالاً سر هنری دراموند ولف، وزیر مختار بریتانیا در تهران، و سیدنی جی چرچیل، منشی وی که در زمان سفر شاه در لندن بودند، توسط کتابچی که می‌خواست از حمایت آنها اطمینان حاصل کند، از پروژه مطلع شده باشند. مذاکرات توسط وی در تهران آغاز شده بود. با بازگشت شاه به تهران تالیوت به تهران آمد تا درخواست خود را به شاه و امین السلطان ارائه دهد. اندکی پس از ورود تالیوت به تهران، امین السلطان و شاه تمایلی به اعطای امتیاز تالیوت نداشتند. آنان هنوز شکست تلخ مقررات فروش تنباکو در سال ۱۸۸۶ را به یاد می‌آوردند. کتابچی پس از بحث‌های طولانی و دشوار، با حمایت و کمک سر هنری و سیدنی چرچیل، امین السلطان را متقاعد کرد که انحصار تنباکو می‌تواند برای دولت ایران منفعت زیادی داشته باشد. متقاعد کردن شاه بیشتر طول کشید و سرانجام ناصرالدین‌شاه برای تصمیم‌گیری به استخاره متوسل شد. با مشورت مساعد، شاه این امتیاز را به تالیوت داد. این قرارداد در ۲۱ مارس ۱۸۹۰ امضا شد. اندکی بعد تالیوت تهران را ترک کرد و از کتابچی به این عبارت تشکر کرد: «دوست خویم هزاران بار از شما به خاطر این همه لطف و حسن‌نیت شما نسبت به جردالف تالیوت تشکر می‌کنم».

نتیجه این اقدام که ترس امین السلطان را توجیه می‌کرد مشخص است. امتیازی که به تالیوت برای پنجاه سال انحصار تولید، فروش و صادرات تنباکو ایرانی را اعطا می‌کرد، خشم تولیدکنندگان و بازرگانان تنباکو برانگیخت. ورود ده‌ها تن از کارکنان انگلیسی شرکت دخانیات به ایران، نارضایتی مردم را برانگیخت. معترضان با حمایت روحانیون در سراسر کشور اعتراضاتی را سازماندهی کردند، شورش واقعی علیه دولت و قرارداد سازمان پیدا کرد و تا آنجا پیش رفت که میرزای شیرازی فتوا علیه استعمال دخانیات صادر کرد و شاه را مجبور کرد قرارداد را لغو کند.

استعفا و عزیمت به اروپا

در حالی که اعتراضات علیه انحصار تنباکو و قرارداد تالیوت سازماندهی می‌شد، کتابچی در اروپا بود. او تهران را برای یک سفر هفده‌ماهه ترک کرد و ابتدا خانواده‌اش را در لوزان سوئیس اسکان داد. سپس زمان زیادی را در لندن سپری کرد تا با تالیوت تمام جزئیات مالی راه‌اندازی انحصار تنباکو را حل و فصل کند و سرانجام از طرف امین السلطان مأمور شد تا اختلاف ایران و ایتالیا را حل و فصل کند. کالاهای تاجر ایتالیایی به نام کانسونو، که عادت به کلاهبرداری از ایرانیان پیدا کرده بود، در ایران مصادره شده بود. ایران به توصیه کتابچی تصمیم گرفت به داوری بین‌المللی متوسل شود و از سر ویلیام آرتور وایت، سفیر بریتانیا در قسطنطنیه خواسته شد تا این اختلاف را حل و فصل کند. کتابچی با اسنادی که در دست داشت، سه ماه را در قسطنطنیه گذراند تا از ادعای ایران دفاع کند. حکمیت سرانجام به نفع ایران صادر شد. کتابچی در حالی به تهران بازگشت که قرارداد انحصار تنباکو شکست خورده و لغو شده بود. کتابچی که از این شکست ناامید شده بود، چون ثروت کافی برای زندگی آسان در اروپا به دست آورده بود و می‌خواست به خانواده خود در سوئیس بپیوندد، از امین السلطان خواست استعفا دهد. با پایان سال مالی کتابچی به خانواده‌اش در لوزان پیوست.

پاریس و نمایشگاه جهانی ۱۹۰۰

کتابچی پس از چند ماه اقامت در لوزان در اواخر سال ۱۸۹۳ به همراه خانواده خود به پاریس نقل مکان کرد و در این بین از امین السلطان درخواست کرد به‌عنوان دیپلمات ایرانی در اروپا منصوب شود. او به سمت مشاور سفارت ایران در بروکسل با مسئولیت میرزا جواد خان سعدالدوله منصوب شد و تا سال ۱۸۹۸ این سمت را برعهده داشت. کتابچی در سال ۱۸۹۹ توسط مظفرالدین‌شاه به‌عنوان کمیسر عمومی ایران در نمایشگاه جهانی ۱۹۰۰ منصوب شد. کتابچی می‌خواست

مهارت‌های کتابچی قدردانی کرد. سر هنری دراموند ولف در خاطرات خود می‌نویسد: «امین السلطان بسیار به یکی از همدستان خود - کتابچی خان - که گرچی الاصل بود تکیه داشت. او یک کاتولیک رومی بود و با یک خانم ارمنی ازدواج کرد. دولت ایران واقعاً توسط کتابچی خان نمایندگی می‌شد، زیرا او از مسائل غربی کاملاً آگاه بود؛ می‌توانست امتیازی را تنظیم کند و تحرکات تجاری را آغاز کند».

این دو نفر تا زمان مرگ کتابچی با هم دوست بودند و این دوستی توسط پسران کتابچی تا زمان ترور امین السلطان در سال ۱۹۰۷ برقرار بود. او در چندین نوبت در فرانسه و سوئیس مورد استقبال کتابچی‌ها قرار گرفت.

از آنجایی که مالیات بر واردات و صادرات منبع عمده درآمد دولت ایران را تشکیل می‌داد سمت مدیرکل گمرک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. کتابچی با مدیریت گمرک موفق شد درآمدها را از این محل افزایش دهد و این نتایج خوب باعث شد کتابچی نشان شیر و خورشید را به دست بیاورد و همچنین با اینکه هیچ منصب نظامی نداشت، به پاس خدماتش از شاه درجه سرلشکر افتخاری و عنوان خان دریافت کرد. امین السلطان بود که در حضور کتابچی از شاه خواست که اینگونه به او پاداش دهد: «اعلیحضرت، این آقای کتابچی است، خدمتگزار مؤمن شاهنشاهی که با علم زیاد و ویژگی‌های عالی اداری‌اش توانسته است گمرکات را چنان خوب و عاقلانه سامان دهد که نه تنها درآمدها به میزان قابل توجهی افزایش یافته است، بلکه نظم کاملی در همه جا حاکم است... من نمی‌توانم آنقدر به بزرگواری اعلیحضرت توصیه کنم که با اعطای لقب خان به ایشان شرافت بخشید.»

امتیاز رویتر برای ایجاد بانک دولتی

در سال ۱۸۷۲، بارون پیل جولیس رویتر، یک شهروند بریتانیایی، امتیاز رویتر را از ناصرالدین‌شاه دریافت کرد که به او انحصار مطلق به مدت هفتاد سال در ساخت خطوط راه‌آهن و تراموا را می‌بخشید. بهره‌برداری از کلیه معادن فلزات و مواد معدنی غیر گرانها، انحصار بهره‌برداری از جنگل‌های دولتی، انحصار در احداث سیستم‌های آبیاری، اولویت ایجاد بانک ملی و کلیه نگاه‌های آینده مرتبط با امور عمومی از هر نوع از جمله راه و تلگراف به مدت بیست‌وپنج سال نیز در این قرارداد پیش‌بینی شده بود. این امتیاز که دنیا را متحیر کرد و مورد حمایت دولت انگلیس قرار گرفت، اعتراض شدید روس‌ها و مردم ایران را برانگیخت که این اندازه از دخالت و تسلط خارجی را نپذیرفتند. این امر باعث شد که شاه امتیاز را لغو کند. رویتر که مبالغ هنگفتی را برای گرفتن امتیاز و شروع به کار در خط راه‌آهن رشت به تهران پرداخت کرده بود، غرامتی دریافت نکرد و مدام از دولت ایران درخواست جبران خسارت کرد. در دسامبر ۱۸۸۸، جورج رویتر، پسر دوم بارون، به همراه منشی پدرش، ادوارد کوته، وارد تهران شد. این دو مرد دوباره درخواست امتیاز برای یک بانک، معادن و راه‌آهن کردند. کوته، که کتابچی را از سال ۱۸۷۸ در پاریس می‌شناخت برای کمک به کتابچی متوسل شد. کتابچی این دو را متقاعد کرد که در خواست خود را به بانک و معادن محدود کنند، زیرا می‌دانستند که افزودن راه‌آهن ناگزیر مخالفت روسیه را برانگیخته است. کتابچی سند امتیاز را بازنویسی کرد و امین السلطان را متقاعد کرد که امتیاز بانک و معادن را اعطا کند و استدلال کرد که این بانک دارایی بزرگی برای کشور خواهد بود و زبان بارون جولیس رویتر را جبران می‌کند و از این طریق دولت ایران را از ادعاهای آینده او محافظت می‌کند. فرمان سلطنتی که امتیاز را به رویتر اعطا می‌کرد در ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ امضا شد. بانک نام امپریال بانک را به خود گرفت و امتیاز صدور اسکناس‌های بانکی به آن اعطا شد. تا سال ۱۹۲۵ بانک دولتی باقی ماند و خدمات بزرگی به ایران کرد.

مقررات فروش تنباکو و امتیاز انحصاری تالیوت

در ژوئیه ۱۸۸۶ کتابچی بخشی از گروهی بود که شاه را در سفر به مازندران همراهی می‌کرد. امین السلطان در این سفر او را از قصد خود برای مقررات فروش تنباکو در ایران آگاه کرد. کتابچی طرحی را تنظیم کرد که به تأیید امین السلطان و ناصرالدین‌شاه رسید. در این مقررات تصریح شد که تاجران خردفروشی تنباکو، باید از این پس مجوز ویژه‌ای داشته باشند و مالیات متناسب با گردش مالی آنها اخذ خواهد شد. کتابچی اختیارات کاملی برای راه‌اندازی اداره نظارت بر این مقررات دریافت کرد. از آذرماه مقررات در تهران اعمال شد. با این حال، به زودی اعتراضات در استان‌ها علیه مقررات فروش تنباکو بالا گرفت و حوادثی رخ داد. شاه، از ترس گسترش نارضایتی، تصمیم گرفت که این مقررات را لغو کند و خود را از درآمد سالانه‌ای که کتابچی دو میلیون فرانک تخمین زده بود، محروم کند.

در آوریل ۱۸۸۹ ناصرالدین‌شاه سومین سفر خود را به اروپا انجام داد. کتابچی از امین السلطان اجازه گرفت تا جزء هیئت سلطنتی باشد. او هفدهمین نفر فهرست رسمی افراد بلندپایه همراه شاه بود و به همین ترتیب، اتاق ۱۷ در کاخ باکینگهام را در جریان دیدار شاه از ملکه ویکتوریا اشغال کرد. در این سفر که پنج ماه به طول انجامید، کتابچی نیز همراه این هیئت در دربارهای اروپایی مورد استقبال قرار گرفت. او در لندن با سرگرد جردال تالیوت آشنا شد. احتمالاً

فوران چاه نفت حفاری شده توسط شرکت داریسی در مسجندسلیمان

